

# اسلام؛ دعوت مسالمت آمیز

محسن اصغری\*

## چکیده

مسأله پژوهش حاضر ارائه مؤثرترین و معقول ترین راه صدور اسلام و دعوت به آن و ارائه راهکارهای عملی از دیدگاه قرآن کریم است. صدور اسلام و دعوت به آن بر اساس ماهیت ایمان، قداست آن و ظرفیتهای مخاطب سامان می یابد در راستای توسعه ایمان و رسیدن به این هدف، ابزارها و راهکارهای مشروع مدنظر است لذا با توجه به نوع مخاطب و ظرفیتهای او با اقامه برهان و حکمت، اندیشه او بارور می شود و دل و جان او با موعظه احیا می شود و در گام سوم با بهره گیری از روش مجادله با او مباحثات صورت می گیرد. در مرحله اجرایی؛ از راهبردهای مالی، دیپلماسی سیاسی استفاده می شود و در گام نهایی راهکار نظامی و جهاد مسلحانه مدنظر است.

## واژه های کلیدی:

دعوت، حکمت، موعظه، جدال، جهاد، تألیف قلوب

---

\*. دانش پژوه سطح ۴، دوره فقه سیاسی، مؤسسه آموزش عالی حوزوی امام رضا (ع).

## مقدمه

دین اسلام آیین توحیدی است که مقصد و مقصود آن تکامل معنوی بشر و فراهم نمودن بستر تحقق فضایل اخلاقی و انسانی است. آیینی که بر اصول انسانی استوار است و کرامت انسان در آن یک اصل خدشه ناپذیر است. آیینی که بر حق محوری در بستر اندیشه و عمل پای می‌فشارد، تحمیل عقیده و جهالت را نمی‌پسندد، بر صداقت استوار است و هرگز نیرنگ و فریب و خدعه را بر نمی‌تابد.

از سوی دیگر اسلام دین جهانی و جاودانه می‌باشد و مخاطب آن بشریت است و رساندن پیام الهی به بشریت و ارائه معارف زلال دین به انسان‌ها و رهانیدن آنها از یوغ بردگی و بندگی طاغوت هدفی بسیار عالی، ارجمند و مقدس است. بدیهی است رسیدن به این هدف مستلزم مدیریت و ارائه راهکار و بهره‌مندی از وسایل و ابزار مقدس و مشروع است زیرا در این آیین قداست وسیله و مشروعیت آن یک اصل است. لذا دین اسلام در راستای جهانی شدن و گسترش اسلام از اصل دعوت بهره می‌گیرد.

مسئله پژوهش حاضر این است که در این دین آسمانی برای رسیدن به هدف مزبور چه راهکاری طراحی شده است، مدیریت مقوله دعوت به دین را چه کسانی باید عهده دار شوند؟ آیا در دعوت به دین باید اصول و چهار چوب خاصی را رعایت کرد؟ چه رابطه‌ای بین دعوت به دین و آزادی عقیده و جود دارد؟ آیا دعوت به دین با اصول کرامت انسانی، عدالت و آزادی سازگار است؟

پیرامون مسئله فوق پژوهش‌هایی توسط پژوهشگران مسلمان و غیر مسلمان صورت گرفته است ولی برخی از مغرضان فرایند توسعه و گسترش اسلام را مخدوش جلوه داده و اسلام را به خشونت متهم می‌کنند. ولی پژوهشگران منصف بر این باورند گسترش اسلام با توجه به اصول انسانی و از طریق راه‌های مسالمت آمیز و بر اساس اصل روشنگری صورت گرفته است.

## فریضه دعوت

اسلام دین جهانی و جاودانه می‌باشد و مخاطب آن بشریت است رساندن پیام الهی اسلام به انسان‌ها به عنوان یک فریضه بردوش امت اسلامی نهاده شده است. اجرای این

فریضه و عمل به آن، نیازمند مدیریت صحیح و منطقی است. اجرای این فریضه باید به گونه‌ای باشد که ره آورد آن جذب دلها به سوی ایمان و پرورش روحیه حق محوری در انسان‌ها باشد. لذا در قرآن کریم روشهای ترویج دین به نحو مسالمت آمیز بیان شده است و مراحل آن گام به گام بیان شده است.

### ۱. حکمت

در پرتو دعوت اسلامی، قدرت تفکر و آزادی اندیشه در مخاطب بارور می‌شود و به کرامت انسانی توجه خاصی می‌شود. قرآن کریم در راستای انجام این مهم، خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «ادع إلی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنة و جادلهم بالتی هی احسن». (نحل/ ۱۲۵)

### حکمت چیست؟

حکمت در لغت عبارتست از رسیدن به حق با استعانت از علم و عقل.<sup>۱</sup> در برخی از تعریفها حکمت از سنخ کلام شمرده شده و به گفتار منطقی و مستدل که روشنگر حق است حکمت اطلاق گردیده است. به عنوان نمونه «حکمت حجتی است که منتج حق است به نحوی که جای هیچ شک و وهن و ابهامی در آن باقی نماند».<sup>۲</sup> به عبارت دیگر «حکمت گفتاری است صحیح و متقن که روشنگر حق و از بین برنده شبهه است».<sup>۳</sup> در برخی از تعاریف حکمت از سنخ معرفت و شناخت شمرده شده است مانند تعاریف زیر:

الف. حکمت چیزی است که تو را بر مر حق، آن حقی که آمیخته با باطل نیست و صدقی که مخلوط با کذب نیست آگاه می‌سازد.<sup>۴</sup>

ب. حکمت عبارت است از شناخت مراتب افعال از منظر حسن و قبح، صلاح و فساد، زیرا این نوع معرفت مانع فساد است. مؤید این تعریف این است که حکمت در لغت به معنای منع است و به حکمت، حکمت گفته می‌شود چون به منزله مانع از فساد

۱. محمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹ق، ج ۳، ص ۵۳۴.

۲. همان.

۳. محسن فیض کاشانی، الصافی، ج ۳، تهران: صدر، ۱۴۱۹ق، ص ۱۶۳.

۴. فضل بن حسین طبرسی، مجمع البیان، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۳۷۹ق، ص ۵۸.

ورادع از چیزی است که شایسته انتخاب نیست.

### مصادیق حکمت:

مصادیق حکمت عبارتند از: قرآن کریم، مواظ قرآن، نبوت، علم به قرآن، شناخت ناسخ و منسوخ قرآن و شناخت محکم و متشابه آن.<sup>۱</sup> و قرآن حکمت نامیده می شود زیرا متضمن امر به حسن و نهی از قبیح است.<sup>۲</sup>

### ۲. موعظه

موعظه در لغت عبارتست از یادآوری نمودن خیر به نحوی که موجب رقت قلب شود. موعظه کلمات طیبه و پاکیزه‌ای است که قلب و مشاعر را حرکت می دهد و حس و وجدان را بیدار می کند.<sup>۳</sup> علامه طباطبایی می نویسد: «الموعظة هوالبيان الذي تلين به النفس و يرق له القلب» موعظه بیانی است که موجب آرامش نفس و رقت قلب می گردد.

### موعظه حسنه از منظر قرآن

موعظه‌ای است که دارای خصوصیات زیر می باشد:

۱. شخص واعظ به موعظه خودش عمل کند و به آن متعظ باشد.
۲. همراه با نرمش در سخن و گفتار باشد.
۳. از الفاظ کریه و زشت عاری باشد.
۴. از لغو و کلام زائد عاری باشد.
۵. عاری از هر گونه مغالطه باشد.
۶. همراه با حسن خلق باشد.<sup>۴</sup>

در این بخش یک نمونه از موعظه حسنه ذکر می گردد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در فتح مکه خطاب به نزدیکان خویش فرمود: «یا بنی هاشم یا بنی عبدالمطلب انی رسول الله الیکم و انی شفیع علیکم، لا تقولوا محمدا منا فوالله ما اولیایی منکم ولا من غیر کم الا المتقون

۱. عبدالکریم زیدان، مجموعه بحوث فقهیه، بیروت، مکتبه القدس، ۱۴۰۷ق، ص ۵۷.

۲. همان، ص ۵۸.

۳. محمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، پیشین، ج ۱۲، ص ۵۳۴.

۴. همان، ص ۵۳۴.



فلا اعرفکم تا تونی یوم القیامة تحملون الدنیا علی رقابکم و یاتی الناس یحملون الآخرة الا انی اعذرت فیما بینی و بینکم و ان لی عملی و لکم عملکم»<sup>۱</sup>.

«ای فرزندان هاشم ای فرزندان عبدالمطلب همانا من فرستاده خدا به سوی شما هستم و من نسبت به شما بیمنامکم، نگویید محمد از ماست، قسم به خدا از میان شما و غیر شما تنها متقین از بستگان من هستند. مباداروز قیامت نزد من آید در حالی که وبال دنیا بر دوش شماست در حالی که مردم حامل آخرت هستند. آگاه باشید من میان خودم و شما حجت را تمام کردم و عمل من برای خودم و عمل شما برای شماست و هر کس در قبال آن مسئول است.

### ۳. جدال احسن

جدال در لغت به معنای شدت خصومت و گفتگوی ستیزه آمیز می باشد.<sup>۲</sup> در اصطلاح عبارت است از حجتی که برای برگرداندن و منصرف ساختن خصم از رأی و عقیده ای که بر آن اصرار می ورزد به کار برده می شود بدون این که مقصود اظهار حق باشد بلکه مقصود از آن اسکات خصم است.<sup>۳</sup>

### جدال احسن چیست؟

جدال احسن منازعه برای وصول به حق و اظهار صواب است و در تعریف آن چنین آمده است «فهی منازعة بین طرفین متعارضین للوصول الی الحق الذی یهدف الیه الداعی الی الله»<sup>۴</sup>.

چون هدف از مجادله احسن، احیاء حق و اظهار صواب است باید دارای ویژگی های ذیل باشد:

۱. همراه با رفق و سکینه باشد.
۲. از مقدمات کاذب، سوء تعبیر و توهین به مقدسات عاری باشد.
۳. تحمیل جهل بر کسی نشود.

۱. محمد بن علی ابن بابویه، صفات الشیعه، تهران: اعلمی، ۱۳۶۲ش، ص ۵.

۲. محمد حسین طباطبائی، پیشین، ج ۱۲، ص ۵۳۴.

۳. همان، همان جا.

۴. مصلح سید بیرمی، ادع الی سیل ربک، چ ۴، کویت: دارالقلم، ۱۴۰۶ق، ص ۵۰.

۴. از جهل مخاطب سوء استفاده نشود.

۵. حقی باطل و باطلی حق، جلوه داد نشود. ۱.

### فرق بین جدال احسن و برهان

اگر در اقامه برهان، از مقدمات حق و یقینی استفاده شود این نوع استدلال را حکمت می‌نامند اما اگر به صورت جدال ثانوی در آن از مقدمات حق و مقبول و مورد پذیرش خصم استفاده شود، به آن جدال احسن می‌گویند.<sup>۲</sup>

### معیار جدال احسن

از امام ششم سؤال شد جدال غیر احسن چیست؟ فرمود جدال غیر احسن آن است که در اثر ضعف فکری خود حقی را انکار کنید یا باطلی را بپذیرید و یا در اثر سوء استفاده از ضعف فکری رقیب چنین کاری را انجام دهید.<sup>۳</sup>

### نمونه جدال احسن

مسیحیان بر آن بودند که عیسی فرزند خداست و با خدا متحد است و لذا نزد رسول اکرم ﷺ آمدند و چنین گفتند: تو اگر ادعای مارا بپذیرفتی، باید تابع ما باشی، زیرا ما در تشخیص این حق پیشگام تر از تو بودیم و گرنه با تو به مخاصمه بر می‌خیزیم. رسول گرامی اسلام در پاسخ مسیحیان فرمود: شما می‌گویید عیسی با خدا متحد شده است ابتدا بگویید مقصود از اتحاد چیست؟، آیا مقصود اتحاد حقیقی است یا کنایه از کرامت و بزرگداشت است؟، اگر منظور شما اتحاد حقیقی است اتحاد حادث با قدیم و ممکن با واجب محال است، چون مستلزم جمع بین حدوث و قدم (اجتماع نقیضین) یا مستلزم تبدیل حادث به قدیم و قدیم به حادث است که هر دو محالند. اما اگر مراد شما از اتحاد، کرامت است این کرامت اختصاص به حضرت عیسی ندارد زیرا انبیای دیگر هم مانند ابراهیم، نوح و آدم از این کرامت برخوردار بوده‌اند، پس چرا در باره انبیای دیگر قائل به اتحاد نشدید؟

بعد از ارائه این برهان عده‌ای از ترسایان ساکت شدند و برخی گفتند همان طور

۱. محمدحسین طباطبائی، پیشین، ج ۱۲، ص ۵۳۴.

۲. همان، ج ۱۲، ص ۵۳۵.

۳. همان، ج ۱۲، ص ۵۳۴.

که خداوند در قرآن ابراهیم را خلیل خود معرفی نموده، عیسی را هم به عنوان فرزند خود گرامی داشته است. حضرت محمد ﷺ فرمودند: «این قیاس مع الفارق است، زیرا خلیل بودن ممکن است؛ اما پسر خدا بودن و متحد شدن با خدا محال است، ممکن است انسانی بر اثر کمال علمی و عملی خلیل الله شود ولی اتحاد آن با خدا مستحیل است»<sup>۱</sup>.

### روش و مخاطبان دعوت

با توجه به روش‌های سه گانه فوق بستر مناسب هر یک از این سه شیوه کدام است؟ مخاطب هر یک از این سه شیوه چه کسانی هستند؟ برخی گفته‌اند هر یک از این سه شیوه، دارای مخاطب خاص خود هستند که باید داعی الی الله آنها را بشناسد و از شیوه مناسب در دعوت بهره بگیرد و لذا مخاطبین دعوت را به سه گروه تقسیم نموده‌اند:

۱. خواص

۲. عوام

۳. افراد معاند

دعوت خواص از طریق حکمت است، زیرا خواص دارای دل‌های قوی و مستعدند و حقایق عقلی را زود می‌پذیرند و در برابر مبادی عالی سریع و به شدت مجذوب گشته با علم و یقین، انس و الفت زیادی دارند.

دعوت عوام از طریق موعظه حسنه می‌باشد زیرا دل‌های آنها تاریک و استعدادشان ضعیف و با محسوسات انس بیش‌تری دارند و تعلق خاطر آنها با رسوم و عادت بیش‌تر است و با برهان سرو کاری ندارند هرچند معاند حق هم نیستند.

دعوت افراد معاند و لجاج از طریق جدال احسن مناسب است زیرا آنها گروهی هستند که اندیشه‌های باطل در دل‌هایشان رسوخ نموده و تقلید از مذهب‌های خرافی گذشتگان و نیاکان بر آنها چیره گشته است و لذا دیگر برهان و موعظه در آنها اثر ندارد.<sup>۲</sup>

غزالی بر این باور است که هر یک از شیوه‌های فوق اختصاص به مخاطب معین

۱. عبدالله جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۷، قم: اسراء، ص ۱۵۹.

۲. محسن فیض کاشانی، الصافی، ج دوم، ج ۳، تهران: صدر، ۱۴۱۵ق، ص ۸۶.

دارد و در تبیین اختصاص شیوه‌های دعوت به گروه‌های خاص می‌نویسد: مدعو با حکمت یک قوم هستند و مدعو از طریق موعظه قومی دیگر و مدعو با مجادله گروه سومی هستند، زیرا اگر اهل موعظه از طریق حکمت تغذیه شوند برای آنها مضر است مانند مضر بودن تغذیه طفل شیر خوار با گوشت، همچنین مجادله با اهل حکمت موجب تنفر و اشمئزاز آنها می‌شود همچنان که آدم بزرگسال از ارتضاع و شیر خوردن از پستان مادر متنفر است همچنین به کارگیری جدال احسن با اهل مجادله مناسب نبوده و مانند تغذیه عرب بدوی با نان گندم است در حالی که او با خرما خشکیده مانوس است.<sup>۱</sup>

از دیدگاه برخی مفسرین بزرگ، اختصاص هر یک از شیوه‌های دعوت به گروه خاص مردود است، علامه طباطبایی با رد دیدگاه غزالی می‌نویسد: این وجه گرچه دقیق است اما مردود است زیرا گاهی موعظه در خواص هم مؤثر است و گاهی جدال احسن در عوام مؤثر می‌افتد. لذا نه در لفظ آیه و نه در واقع دلیلی بر این اختصاص نداریم.<sup>۲</sup> شهید مطهری در رد دیدگاه اختصاص می‌نویسد: «هیچکدام از شیوه‌های دعوت را نمی‌توان به صورت مطلق و برای همه موارد و موقعیت‌ها و همه انسان‌ها مفید دانست ولی برای دلهای آماده‌ای که چون زمین مهیای کشت در طلب باران است، شیوه موعظه می‌تواند بهترین اسلوب دعوت باشد. پیامبر گرامی اسلام با بکارگیری این شیوه با دل و جان افراد مرتبط بود و بدون نیاز به استدلال جان‌ها را تغذیه می‌کرد و دلهای حیات می‌بخشید. استفاده از این شیوه به این دلیل ضروری است که بسیاری از دلهای با وجود عمق اندیشه و تفکر فلسفی و استدلال بر اثر عوامل دیگری به راه فساد و تباهی کشانده می‌شوند.<sup>۳</sup>

#### ۴. نرمش در گفتار و رفتار

کسی که می‌خواهد پیام خدا را به انسان‌ها برساند و انسان‌ها را به سوی خدا دعوت کند باید نرمش در سخن داشته باشد. وقتی خداوند موسی علیه السلام را برای دعوت

۱. سید محمود آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۱۴، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق، ص ۲۵۴.

۲. محمدحسین طباطبائی، پیشین، ج ۱۲، ص ۵۳۴.

۳. مرتضی مطهری، سیری در سیره نبوی، ج ۳، تهران: صدرا، ۱۳۶۱، ص ۶۷.





فردی مستکبر چون فرعون می فرستد به او چنین دستور می دهد: «فَقُولَا لَهُ قَوْلَا لَنَا لَعَلَّهُ يُتَذَكَّرُ وَوَيْحُشِي» (طه/۴۳) تفسیر المیزان می نویسد: «خداوند موسی و هارون را از دعوت مقرون با خشونت در گفتار منع کرد و این از واجب ترین آداب دعوت است». <sup>۱</sup> برخی مفسرین گفته اند مقصود از «قول لَین» این است که دعوت جنبه آمرانه نداشته و به شیوه مشفقانه باشد، لذا گفته اند مقصود از «قول لَین» آیات بعدی است که با استفهام شروع شده است: «هل لك الي ان تزكي» <sup>۲</sup> برخی گفته اند مقصود این است که باید دعوت فرعون بر مبنای رجاء و طمع در نجات او باشد نه بر مبنای یاس از فلاح و نجات او. <sup>۳</sup> قرآن کریم یکی از عوامل موفقیت دعوت پیامبر ﷺ را نرمش او شمرده می فرماید: «فبما رحمة من الله لنت لهم ولو كنت فظاً غليظ القلب لانفضوا من حولك» (آل عمران/۱۵۹) یعنی نرمش تو در برابر مشرکین موجب دخول آنها در دین می شود زیرا برخورد تو کریمانه و همراه با استدلال است و اگر خشن و سنگدل بودی، مردم از اطراف تو پراکنده می شدند. «فظا» به معنی جفا کار و «غليظ القلب» به معنی سنگدل می باشد و هر دو به یک معنی می باشند و برای تاکید آمده اند. در آیه شریفه یکی از موانع دعوت خشونت ذکر شده است. <sup>۴</sup>

## ۵. بهره گیری از تبشیر و انذار

قرآن کریم از پیامبر ﷺ با وصف مبشّر و منذر یاد کرده می فرماید: «وما نرسل المرسلين الا مبشرين ومنذرين». (انعام/۴۸)

تبشیر از مقوله تشویق و تحریک رغبت است مانند ذکر آثار و فوائد یک امر. انذار بیم دادن و بیان عواقب خطرناک است. در دعوت باید هر دو رکن باشد، البته باید جنبه تشویق بیش تر باشد. پیامبر ﷺ هنگامی که معاذ را به سوی یمن گسیل داشت فرمود: «يا معاذ! بشر و لا تنفر» ای معاذ اساس کارت تبشیر و تشویق باشد، کاری کن که مردم مزایای اسلام را درک کنند و از روی میل و رغبت به اسلام گرایش پیدا کنند. بهره گیری

۱. محمد حسین طباطبائی، پیشین، ج ۱۲، ص ۵۳۴.

۲. فخرالدین رازی، مفاتیح الغیب، ج ۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق، ص ۳۹.

۳. محمد حسین طباطبائی، پیشین، ج ۱۲، ص ۵۳۵.

۴. محمد بن حسن طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا، ص ۴۶.

از شیوه تبشیر و انذار در دعوت، بدون لحاظ پاداش و کیفر امکان پذیر نیست، انسان به سوی پاداش‌ها جذب می‌شود و از کیفرها منزجر است.<sup>۱</sup>

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مقوله دعوت به دین، بین خوف و رجا تعادل را حفظ می‌کرد دل‌های قسی و زنگار گرفته را می‌لرزانید و قلب‌های افسرده را امیدوار و احیاء می‌کرد.<sup>۲</sup>

## ۶. دعوت و مقتضیات زمان

تبیین تدریجی یکی از شیوه‌های دعوت در قرآن کریم و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. قرآن کریم در سوره اسراء می‌فرماید: «وَقْرَأْنَا فِرْقَانَهُ لَتَقْرَاهُ عَلَى النَّاسِ عَلِيَّ مَكْثًا» (اسراء/۱۰۶)

هدف از نزول تدریجی قرآن یا این است که مردم بتوانند به آسانی آن را تعقل نموده و حفظ نمایند و یا این است که قرآن بر حسب تدریجی بودن اسباب نزول در موقع حاجت نازل شده است.<sup>۳</sup>

چون هدف از دعوت به اسلام ارتقاء قدرت اندیشه بشر و تزکیه و تربیت انسان‌هاست، لذا باید دعوت به گونه‌ای باشد که بستر پذیرش آن فراهم باشد و این در صورتی است که دعوت همراه با فرصت اندیشیدن باشد تا در عمق جان مخاطبین نفوذ کند و باید با رفق و تدریج باشد و لذا خداوند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را مامور به رفق و تدریج در سه جهت (دعوت، مدعو، مدعو الیه) نمود.

## الف. تدریج در اصل دعوت

چون دین اسلام مشتمل بر معارف و قوانین شرعی است و شأن آن اصلاح جامعه و قطع ریشه‌های فساد است و با توجه به این که تبدیل عقاید مردم که ناشی از اخلاق و اعمال و عادات است به یکباره مشکل است، لذا دعوت به اعتقادات دینی در ابتدای امر اندک بود و قوانین و شرایع به تدریج ظهور یافتند. هنگامی که قرآن را مورد بررسی قرار می‌دهیم می‌بینیم که آیات مکی بیانگر برخی از مسایل اعتقادی و ارزشی هستند و آیات مدنی آنها را به تفصیل بیان کرده و بیانگر تمام مسایل اعتقادی و ارزشی دین است. حتی

۱. مرتضی مطهری، حماسه حسینی، ج ۳، تهران: صدرا، ۱۳۶۱.

۲. همان.

۳. محمدحسین طباطبائی، پیشین، ج ۱۳، ص ۱۳۵.



آیات مدنی نیز از این تدریج برخوردارند و قوانین دینی مانند آیات تشریح حرمت شرب خمر و بیان ارث در مدینه به تدریج نازل شدند.

یک نمونه از دعوت تدریجی، بیان احکام قمار و شرب خمر است که نخست در سوره بقره زیانهای قمار و شراب بیش از نفع آن شمرده شده است و برای آن دو منفعی پذیرفته شده است. سپس در سوره مائده آن دو را، عملی شیطانی معرفی نموده است. (مائده ۹۰) در آیه بعد آن دو را عامل دشمنی و عداوت شمرده است و سرانجام تصریح به حکم تحریم خمر در مدینه آمده است. (مائده ۹۱) این سیر تدریجی دعوت در بیان احکام و اجراء آن به دلیل ارفاق و حکمت سهولت و حسن تلقی قبول است.<sup>۱</sup>

### ب. تدریج در ناحیه مدعو

با این که دعوت پیامبر ﷺ عمومی و جهانشمول بود و اختصاص به قوم و مکان و زمان نداشته است و پیامبر اکرم ﷺ همه ملت‌ها را به اسلام دعوت نمود که تاریخ شاهد بر آن است، ولی یک سیر تدریجی را لحاظ گزینش مدعوین به چشم می‌خورد. پیامبر گرامی اسلام ﷺ رسالت خود را ابتدا از عشیره خویش و سپس قوم خود آغاز نمود و بعد خداوند او را مأمور به دعوت عمومی ملت‌ها نمود. (ر.ک: شعرا ۲۴۷/ و شورا ۷/ و اعراب ۱۵۸/) شاید فلسفه این سیر تدریجی این است که چون امکان مواجهه با دنیای کفر و مبارزه با شرک به یکباره میسر نبود حکمت اقتضا می‌کرد که شروع دعوت از گروه محدود باشد.

### ج. تدریج در جهت مدعو الیه

از جهت اجراء دعوت نیز این سیر تدریجی مشهود است مانند دعوت قولی و سپس مبارزه منفی و دعوت سلبی و سرانجام جهاد نظامی.

در دعوت پیامبر اکرم ﷺ شروع دعوت بر اساس دعوت قولی بود و دعوت پیامبر اکرم با خطابه، مقاله و رساله شروع شد و بعد نوبت به دعوت سلبی رسید که در این مرحله جامعه اسلامی بر بنیان اسلام بنا نهاده شده بود و پیامبر اکرم مأمور به عدم همکاری با کفار و عدم مشارکت با آنها شد مانند تحریم اقتصادی کفار و عدم مشارکت در حکومت آنها و سرانجام نوبت به رویارویی نظامی می‌رسد و پیامبر اکرم ﷺ مأمور به

۱. محمدحسین فضل الله، من وحی القرآن، ترجمه احمد بهشتی، بی‌جا، بی‌تا، ص ۵۹.



جهاد مسلحانه می‌شود. البته روشن است که اسلام سلاح و جنگ را برای دفع شر معاندین مشروع می‌داند نه برای ادخال آنها در حوزه ایمان و اسلام، لذا قتال برای رفع فتنه است نه برای تحمیل عقیده و پذیرش دین، بنا بر این دست بردن به سلاح از باب اضطرار است.

## وسایل و راهکارهای دعوت به اسلام

### ۱. استفاده از مال و جهاد مالی

برای بسط و گسترش اسلام می‌توان از مال بهره جست و جدای از جهاد نظامی که از شئون دولت اسلامی است یکی از راه‌های دعوت، جهاد مالی است نمونه این جهاد تحت عنوان تألیف قلوب قابل بررسی است. تألیف قلوب یکی از شیوه‌های مؤثر دعوت پیامبر ﷺ بود که هدف از آن دو بعد نظامی و فرهنگی است که بعد نظامی آن پیشگیری از حمله به کشورهای اسلامی و بعد فرهنگی آن دعوت به اسلام است.

### مؤلفه قلوبهم چه کسانی هستند؟

محقق حلی آنان را کفاری می‌داند که با دادن زکات به آنان میل به شرکت در جهاد در آنها ایجاد می‌شود و با مسلمانان در جهاد همکاری می‌کنند، اما صاحب جواهر مؤلفه قلوبهم را اعم از کافر و مسلمان ضعیف الایمان می‌داند و کافران کسانی هستند که برای دعوت به اسلام بخشی از زکات به آنها پرداخت می‌شود.<sup>۱</sup> طبرسی می‌نویسد: «مؤلفه قلوبهم گروهی از اشراف زمان پیامبر اکرم ﷺ بودند که پیامبر ﷺ بخشی از زکات را به آنها می‌داد تا آنها را به اسلام راغب کند».<sup>۲</sup>

### ۲. توسل به قوه قهریه و قدرت سیاسی

با این که به کار گیری قوه قهریه در بسط ایمان مردود است چون ایمان امری است قلبی و اجبار ناپذیر، ولی هنگامی که اصول دعوت اسلامی و اهداف آن را بررسی می‌کنیم می‌یابیم که رابطه تنگاتنگی بین وظیفه دعوت و نظام سیاسی اسلام وجود دارد. اهداف بلند دعوت جهانی اسلام در ضرورت پالایش باطن و تزکیه نفس و ارتقاء اندیشه بشری و اصلاح حیات و بنیان گذاری تمدن خلاصه می‌گردد. ولذا منطقی است که این دعوت جهانی نیازمند سپری است که از او حمایت کند و او را از خطرات مصون نماید

۱. محقق حلی، نرم افزار جامع فقه اهل بیت علیهم‌السلام.

۲. فضل بن حسین طبرسی، مجمع البیان، ج ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۹ق، ص ۵۱.



زیرا حیات حق و آزادی آن در گرو قدرت و نظام سیاسی است و همچنین اجرای احکام شریعت و قوانین اجتماعی بدون توسل به قدرت ممکن نیست. لذا برخی از نویسندگان معتقدند بین دعوت جهانی اسلام و مشروعیت حکومت اسلامی ملازمه وجود دارد. زیرا نشر دعوت به اسلام و حفظ عقاید و آداب اسلامی و اقامه فرائض و سنن و اجرای احکام اسلامی در بلاد اسلامی و دفاع از کیان اسلامی در سایه نظام سیاسی و حکومت اسلامی امکان پذیر است. همچنان که قرآن کریم می‌فرماید: «لقد ارسلنا رسلنا و انزلنا معهم الكتاب والميزان ليقوم الناس بالقسط و انزلنا الحديد» (حدید ۲۵/ مقصود از حدید قدرت سیاسی است.<sup>۱</sup> برخی از نویسندگان هم تصریح کرده‌اند که عمل به وظیفه دعوت جهانی در سایه جهاد نظامی میسر است، زیرا دعوت به اسلام واجب است و صیانت از آزادی تبلیغ امری است که شرعاً واجب است لذا اگر بین تبلیغ اسلام و جمعیت‌های بشر ایجاد مانع شد واجب است در صورت وجود قوه سیاسی، برای تحقق مطلوب از آن بهره‌گرفت تا انسان‌ها در پذیرش اسلام آزاد باشند.<sup>۲</sup>

در میان فقهای معاصر استاد سید کاظم حائری معتقد است که مشروعیت جهاد ابتدایی در زمان غیبت از لوازم دعوت به اسلام و از آثار حقانیت و جهانی بودن اسلام است و وظیفه دعوت مستلزم جواز جهاد ابتدایی در زمان غیبت است زیرا اسلام دین رحمت و هدایت برای جمیع بشر می‌باشد و لطفی از الطاف الهی است که واجب است شامل همه بشریت شود و ضروری است کلمه اسلام و مبادی هدایت به تمامی انسان‌های روی زمین برسد. وظیفه مهم دعوت به اسلام و نشر اسلام بر دوش امت اسلامی و رهبری نهاده شده است. شرک و کفر سبب تشریح قتال در اسلام می‌باشند و دلیلی که این جواز را مقید به زمان معصوم کند نداریم.

نتیجه ضروری این مقدمات این است که امت اسلامی در راستای تحقق این لطف الهی و هدایت بشریت در تمامی زمین و نشر و صدور آن در عالم، در بکارگیری هر وسیله شریف مجاز باشد.<sup>۳</sup> به بیان دیگر دعوت شکل مسالمت آمیز دارد ولی چون

۱. وهبه الزحیلی، آثار الحرب فی الفقه الاسلامی، دمشق: دارالفکر، ۱۴۲۰ق، ص ۸۰.

۲. محمدتقی رهبر، پژوهش و تبلیغ، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱، ص ۴۴۱.

۳. سید کاظم حائری، الکفاح المسلم فی الاسلام، بی‌جا، بی‌تا، ص ۱۰.

معمولاً زور مداران با انتخاب خود حاضر نیستند از منافع نامشروع خود دست بردارند و مانع تبلیغ می‌شوند در این مرحله است که جهاد آزادی بخش در راستای از بین بردن موانع دعوت ضرورت دارد. می‌توان ادعا کرد که بین دعوت به اسلام و مشروعیت حکومت اسلامی ملازمه وجود دارد و وظیفه دولت اسلامی نشر دعوت اسلامی، صیانت از باورها، احکام اسلامی و اقامه فرائض و قوانین اسلامی و اجرای آنها در بلاد اسلامی و حمایت از بیضه اسلام و دفاع از قلمرو اسلام است.<sup>۱</sup> مضمون برخی از نامه‌های پیامبر ﷺ به پادشاهان دعوت مسالمت آمیز به حق و سپس تهدید به سرنگونی است.

اگر با این مبنای مستدل قرآنی به سیره مبارزاتی پیامبر اکرم ﷺ نگاه کنیم جنگ‌های حضرت تفسیر خاصی پیدا می‌کند و هرگز نمی‌توان پذیرفت که پیامبر ﷺ با زور اسلام را گسترش داده باشد و بطلان ادعای برخی از خاور شناسان که پیشرفت اسلام را مدیون شمشیر می‌دانند آشکار می‌شود.<sup>۲</sup> گوستاوبون می‌نویسد: زور شمشیر موجب پیشرفت قرآن نگشت زیرا رسم مسلمانان این بود که هر کجا را فتح می‌کردند مردم آنجا را در دین خود آزاد می‌گذارند.<sup>۳</sup>

### ۳. ارسال سفیر

سفارت در لغت به معنی روشن گری و از بین بردن ابهام است و سفیر فرستاده‌ای است از جانب قومی به سوی قوم دیگر برای رفع دلهره‌ای که بین دو طرف وجود دارد. اولین سفیر پیامبر گرامی اسلام ﷺ فردی غیر مسلمان به نام عمرو بن امیه الضمری می‌باشد حضرت او را در سال دوم هجری به حبشه اعزام کرد تا توطئه‌های قریش را خنثی کند.

مجموع نامه‌های پیامبر ﷺ به حاکمان و سران قبایل به نقلی ۲۴ مورد می‌باشد طبق نقل ابن سعد در طبقات، رسول خدا ﷺ در آغاز سال هفتم هجرت در یک روز ۶ نامه به کشورهای بزرگ جهان فرستاد.<sup>۴</sup> از سفرای صدر اسلام می‌توان از مصعب، دحیه کلبی،

۱. وهبه الزحیلی، پیشین، ص ۸۰.

۲. محمدتقی مصباح یزدی، جنگ و جهاد در اسلام، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، ۱۳۸۲، ص ۱۹۵.

۳. گوستاوبون، تمدن اسلام و غرب، ترجمه: محمدتقی فخرالدین حجازی، ج ۲، تهران: افراسیاب، بی تا، ص ۲۶۵.

۴. محمدبن سعد واقدی، طبقات الکبری، ترجمه محمد مهدی دامغانی، ج ۱، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه، ص ۲۴۳.



ابوسفیان، عمرو بن امیه، حاطب بن ابی بلتعہ و عمرو بن عاص نام برد.<sup>۱</sup>  
در برخی از نامه‌های پیامبر ﷺ رسالت جهانی حضرت گوشزد شده است و بعد از دعوت به اسلام تهدید به جهاد صورت گرفته است از جمله در نامه پیامبر اکرم ﷺ به پادشاهان عمان چنین آمده است: «و ان ایتما ان تقرّا بالاسلام فان ملکما زائل عنکما و خیلی تحل بساحتکما و تظهر نبوتی علی ملککما».<sup>۲</sup>

از جمله سفرا خالد بن ولید است که پیامبر او را به طرف تهمامه روانه کرد تا مردم را به سوی خدا دعوت کند و او را برای جنگ نفرستاد. نمونه دیگر شیوه برخورد آن حضرت با قبیله بنی ضمیره است وقتی سهیل بن عبدالله نماینده پیامبر از آن منطقه بازگشت گفت آنان گفتند ما نه با او می‌جنگیم و نه با او می‌سازیم و نه نبوت او را قبول می‌کنیم و نه او را دروغگو می‌شماریم. مردم گفتند یا رسول الله با آنان بجنگ فرمود ایشان را واگذارید.

پیامبر اکرم ﷺ پس از هجرت نمایندگانی را به سوی قبایل گسیل داشت که به چند نمونه اشاره می‌شود:

۱. حاطب بن ابی بلتعہ از بنی لحم به سوی مقوقس
۲. شجاع بن وهب به سوی حارث بن ابو شمر غصانی
۳. دحیه بن خلیفه کلبی به سوی هرقل قیصر روم
۴. سلیط بن عمرو بن لوی به سوی هوذه بن علی حنفی بزرگ یمامه
۵. عبدالله بن حذاقه سهر به سوی کسری
۶. عمرو بن امیه ضمیری به سوی نجاشی

نگاهی گذرا به سیره پیامبر اکرم ﷺ در صدر اسلام بیانگر این است که تبادل نماینده با قبایل عرب با هدف نشر دعوت اسلامی و حفظ منافع عمومی مسلمانان صورت می‌گرفت. همچنین نامه‌های پیامبر اکرم ﷺ به سوی رؤسا و امرا و حاکمان آن زمان محتوی دعوت اسلامی بود.

۱. همان، ج ۱، ص ۲۴۴.

۲. حسینی احمدی، مکاتیب الرسول، قم: بی نا، ۱۳۳۹، ص ۳۱۳.

## نتیجه گیری

مخاطب دین اسلام بشریت بوده و دین اسلام آیینی جهانی و جاودانه است. رساندن پیام الهی و معارف آسمانی اسلام به عنوان یک فریضه بر دوش امت اسلامی نهاده شده است.

اساس دعوت به دین، دعوت به ایمان و سر سپردگی است و ایمان هرگز تحمیل را بر نمی‌تابد. در دعوت به دین با نگاه خوشبینانه به انسان، اصل بر جذب دلها بوده و امکان نفوذ در دلها یک پیش فرض اساسی است.

عقل و قلب دو مرکز اصلی ادراکی بشر می‌باشند که خاستگاه ایمان می‌باشند لذا در فرایند دعوت مواجهه با عقل و دل انسان‌ها نخستین گام می‌باشد زیرا اگر این دو مرکز اصلی به نحو دقیق و ظریف و حکیمانه تغذیه شوند روحیه حق‌پذیری در انسان‌ها شکوفا می‌شود. مرکز ثقل دعوت به اسلام عقل و دل بوده، برای مواجهه با عقل و دل انسان‌ها، از ابزار خاص خود بهره می‌گیرد. در سیر دعوت قوه عقلانی بشر از طریق راه‌های مسالمت‌آمیز، معقول و منطقی تغذیه می‌شود و همزمان با توجه به ظرافت روحی بشر، قلب و دل انسان به عنوان پایگاه اصلی ایمان تغذیه می‌شود. همچنین در فریضه دعوت به دین، توجه به عناصر زمان و مقتضیات زمان نقش کلیدی دارد.

برای عملیاتی نمودن فریضه دعوت، همواره راه‌های مسالمت‌آمیز مدنظر بوده و از ابزارهای فرهنگی، مالی و دیپلماسی سیاسی استفاده می‌شود. در صورت فراهم نبودن بستر سالم مواجهه با عقل و دل انسان‌ها برای برداشتن موانع دعوت و هموار نمودن بستر تعامل به عنوان آخرین گام، توسل به قوه قهریه ضروری است. توسل به قوه قهریه برای ترویج و تزریق ایمان نیست. بلکه هدف اصلی از توسل به قوه قهریه و جهاد مقدس مبارزه با حق‌ستیزان و معاندان و مستکبران و براندازی موانع دعوت می‌باشد.

سرانجام اینکه در مکتب اسلام قداست هدف، توجیه‌گر بهره‌گیری از ابزارهای نا عادلانه نیست، بلکه اسلام برای دست یافتن به اهداف مقدس خود از روش‌های معقول، عادلانه و مشروع بهره می‌گیرد.





## فهرست منابع

۱. آلوسی، سید محمود، **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم**، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، **صفات الشیعة**، تهران: أعلمی، ۱۳۶۲.
۳. احمدی، علی بن حسین علی، **مکاتیب الرسول**، قم: بی نا، ۱۳۳۹.
۴. پاینده، ابو القاسم، **نهج الفصاحة**، چ چهارم، تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲.
۵. جوادی آملی عبد الله، **تفسیر موضوعی قرآن**، قم: اسراء، ۱۳۸۹.
۶. \_\_\_\_\_، **تفسیر موضوعی تسنیم**، قم: اسراء، بی تا.
۷. حائری، سید کاظم، **الكفاح المسلح فی الاسلام**، بی جا، بی نا، بی تا.
۸. حقیقت، سید صادق، **مسئولیت‌های فراملی در سیاست خارجی دولت اسلامی**، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری، بی تا.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **المفردات فی غریب القرآن**، بیروت: دارالعلم، ۱۴۱۲ ق.
۱۰. راوندی، قطب الدین، **فقه القرآن فی شرح آیات الأحکام**، چ ۲، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۵ ق.
۱۱. رهبر، محمد تقی، **پژوهشی در تبلیغ**، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱.
۱۲. زهیلی، وهبة، **آثار الحرب فی الفقه الاسلامی**، دمشق: دارالفکر، ۱۴۲۰ ق.
۱۳. زیدان، عبدالکریم، **مجموعه بحوث فقهیه**، بیروت: مکتبه القدس، ۱۴۰۷ ق.
۱۴. سلیمی، عبدالحکیم، **نقش اسلام در توسعه حقوق بین الملل**، قم: موسسه امام خمینی (ره)، ۱۳۸۲.
۱۵. سیدیومی، مصلح، **ادع الی سبیل ربک**، چاپ ۴، کویت: دارالقلم، ۱۴۰۶ ق.
۱۶. طباطبایی، محمد حسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، چاپ سوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹ ق.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسین، **مجمع البیان**، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۳۷۹ ق.
۱۸. \_\_\_\_\_، **مکارم الأخلاق**، چ ۴، قم: شریف رضی، ۱۴۱۲ ق.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن، **التبیین فی تفسیر القرآن**، بیروت: داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۲۰. عز الدین بن الأثیر، أبو الحسن علی بن محمد، **أسد الغابة فی معرفة الصحابة**، بیروت: دار الفکر، ۱۹۸۹ م.
۲۱. عمید زنجانی، عباس علی، **فقه سیاسی**، چ ۴، تهران: امیر کبیر، ۱۴۲۱ ق.
۲۲. الغزالی، محمد، **دراسات فی الدعوة و الدعاء**، چ ۴، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۱ ق.
۲۳. فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، **مفاتیح الغیب**، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰.

۲۴. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، **ترجمه الحقائق فی محاسن الاخلاق**، تهران: مدرسه عالی شهید مطهری، ۱۳۸۷.
۲۵. فیض کاشانی، مولی محسن، **الصادق**، چ ۲، تهران: انتشارات صدر، ۱۴۱۵ ق.
۲۶. قمی، محمد بن محمد رضا، **تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب**، تهران: سازمان چاپ و انتشارات اسلامی، ۱۳۶۸.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، **الکافی**، چ ۴، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق.
۲۸. گوستاولبون، **تمدن اسلام و عرب**، ترجمه محمد تقی فخرالدین حجازی، چ ۲، تهران، نشر افراسیاب، بی تا.
۲۹. مجلسی، محمد باقر، **مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول**، ۲۶ جلد، چ ۲، تهران: دار الکتب الإسلامية، بی تا.
۳۰. محقق حلّی، نجم الدین جعفر، **شرائع الإسلام**، چ ۲، تهران: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ ق.
۳۱. مصباح یزدی، محمد تقی، **جنگ و جهاد در اسلام**، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۲.
۳۲. مطهری، مرتضی، **حماسیه حسینی**، تهران: صدرا، ۱۳۶۱.
۳۳. \_\_\_\_\_، **سیری در سیره نبوی**، تهران: صدرا، ۱۳۶۷.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۴.
۳۵. نجفی، محمد حسن، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام**، چ ۷، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق.
۳۶. واقدی، محمد بن سعد، **طبقات الكبرى**، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه، ۱۳۷۴.

